

مکتب و مذهب و استقلال عراق دفاع نمودند و سرانجام، در این راه مقدس، جان فدا کردند و شاهد شهادت را در آغوش کشیدند و ده ها تن از آنان در سیاهچال های رژیم ددمنش صدام، به خاک و خون غلطیدند.

آن مرحوم پس از رشد و بالندگی، تحصیل علوم دینی را نزد برادر بزرگوارش آیت الله شهید سیدمحمدباقر حکیم و آیت الله سیدمحمود هاشمی شاهرودی آغاز کرد و سطوح عالی را آموخت و سپس به درس آیت الله شهید سیدمحمدباقر صدر رفت و چند سال، خارج فقه و اصول را فرا گرفت؛ سپس، همزمان با تشدید فشار رژیم بعثی و ددمنش عراق بر خانواده آیت الله حکیم - و زندانی شدن و شهادت ده ها تن از آنان در سیاهچال ها - در سال ۱۳۶۰ ش، همراه با برادرش به سوریه و ایران مهاجرت نمود و به تشکیل «مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق» و شاخه نظامی آن (سپاه بدر) پرداخت و بیش از بیست سال به مبارزه علیه رژیم بعثی عراق دست زد تا سرانجام با سقوط رژیم دیکتاتوری صدام در سال ۱۳۸۲ ش، به عراق بازگشت و در ساختن عراق جدید بر مبنای رأی مردم، نقشی فعال بر عهده گرفت. او رئیس «اتلاف عراق یکپارچه» و «مجلس اعلای» بود که نقش اساسی در حیات سیاسی عراق و حکومت و پارلمان آن داشت.

آن مرحوم با تلاش های بسیار و با نظارت عالی و همکاری مرجعیت نجف اشرف، حقوق از دست رفته شیعیان عراق را بدیشان بازگرداند و در آخرین روزهای

جعفر الاصفهری محمد بن ابی العباد احمد رئیس بن ابراهیم طباطبای بن اسماعیل دیباج بن ابراهیم عمر بن حسن مثنی بن الامام الحسن المجتبی بن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب) که طبیب خاص شاه عباس اول صفوی بود و در سفر زیارتی شاه به نجف اشرف در سال ۱۰۳۳ ق، در آن آستان مقدس ماندگار شد، یکی از بیوت علمی و تاریخی نجف اشرف است که ده ها تن از علما و فقهای بزرگ شیعه را در خود پرورانیده است (شیخ محمد حرزالدین؛ معارف الرجال؛ ج ۲، ص ۸۵-۸۷ و نیز محمد هادی امینی؛ معجم رجال الکفر فی النجف؛ ج ۱، ص ۴۲۱).

آیت الله العظمی حکیم و پدرش علامه فقیه سیدمهدهدی حکیم (م ۱۳۱۲ ق) و برادرانش حاج سیدمحمود (۱۲۹۸-۱۳۷۵ ق) و حاج سیدهاشم (۱۳۰۹-۱۳۷۵ ق) و فرزندانش علامه فقیه آیت الله سید یوسف (۱۳۲۷-۱۴۱۱ ق)، سیدمحمد رضا، شهید سیدمهدهدی (۱۳۵۳-۱۴۰۸ ق)، سیدکاظم، شهید سیدمحمدباقر (۱۳۵۸-۱۴۲۴ ق)، شهید سیدعبدالهادی، شهید سیدعبدالصاحب (۱۳۶۱-۱۴۰۵ ق)، شهید سیدمحمدحسین، شهید سیدعلاءالدین و مرحوم سیدعبدالعزیز و نوادگان دختریش، مانند: آیت الله العظمی سیدمحمدسعید حکیم (م ۱۳۵۳ ق)، همه از مفاخر علمی شیعه و چشم و چراغ حوزه علمیه نجف به شمار می رفته اند، که در برابر استعمار و استبداد و رژیم بعثی عراق سخت ایستادند و جانانه از

## درگذشتگان

### حجت الاسلام حکیم



حضرت مستطاب حجت الاسلام والمسلمین آقای حاج سیدعبدالعزیز حکیم، سرو بلند قامت ملت عراق و نماد مبارزه علیه استکبار و طاغوت ها و بعثیان و حرامیان بود. فقیه سعید در سال ۱۳۶۹ ق (۱۳۲۹ ش) در نجف اشرف، در بیت علم و فضیلت و فقاقت و مرجعیت زاده شد. او، آخرین و دهمین فرزند مرجع بزرگ شیعه حضرت آیت الله سیدمحسن طباطبایی حکیم (۱۳۰۶-۱۳۹۰ ق) بود.

خانदान حکیم، از هنگام مهاجرت نیای اعلایشان امیرسیدعلی حکیم (بن سید مراد بن اسدالله بن جلال الدین امیر بن سید حسن بن مجدالدین بن قوام الدین بن اسماعیل بن ابوالمکارم میرعباد بن ابی المجد علی بن ابی الفضل عباد بن علی بن ابی هاشم بن حمزه ابی المجد بن اسحاق بن طاهر بن شهاب الدین علی بن ابی الحسن محمد بن احمد فتوح الدین بن ابی

حیات بابرکتش «اتلاف ملی عراق» را - متشکل از شیعیان، کردها و اهل سنت عراق - بنیاد نهاد. وی، در سال های اخیر به سرطانی ریه مبتلا شد و پس از عمری شصت ساله، در روز سه شنبه ۴ رمضان ۱۴۳۰ (۳ شهریور ۱۳۸۸) چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش در روز پنجشنبه (۶ رمضان) در تهران و قم (با نماز آیت الله العظمی وحید خراسانی) و سپس در روز شنبه در بغداد و پس از آن در نجف اشرف با تشییع بسیار باشکوه، در کنار برادر شهیدش سید محمدباقر حکیم، به خاک سپرده شد.

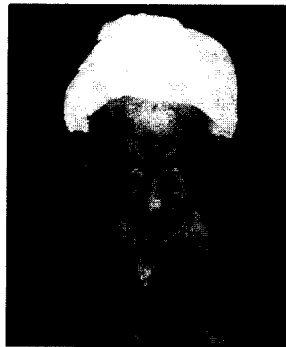
با اعلام خبر وفاتش، موجی از حزن و اندوه در ایران و عراق پدید آمد و در عراق، سه روز عزای عمومی اعلام شد و سیل پیام های تسلیت، از سوی مراجع تقلید قم و نجف اشرف، و مقامات سیاسی ایران و عراق صادر شد. مقام معظم رهبری در پیام تسلیت خویش فرمود:

بسم الله الرحمن الرحيم . با دريغ و اندوه خبر يافتيم كه رئيس مجلس اعلاى انقلاب اسلامى عراق، جناب حجت الاسلام آقاى سيدعبدالعزیز حکيم دارفانى را وداع گفته و به ديار باقى شتافته است . براى ملت و دولت عراق ، اين ضايعه اى بزرگ و براى جمهورى اسلامى ايران ، فقدانى دردناک است . ايشان آخرين بازمانده از فرزندان برومند مرجع بزرگ شيعه مرحوم آيت الله العظمى سيدمحسن حکيم بود که همگی در راه مبارزه با رژیم سفاک بعث عراق و عوامل استکبار شربت شهادت نوشيده با آزمون های دشوار، اين جهاد عظيم را تحمل کرده بودند . خدمات اين روحانى مجاهد در راه تشکيل حکومت ملی عراق چه در دوران اقامت در ايران و چه پس از سقوط حکومت صدام و انتقال به کشور خود، کم نظير و فراموش نشدنى است . اينجانب با ابراز تأسف فراوان از اين حادثه دردناک، تسليت صميمانه خود را به

عموم ملت برادر عراق و به دولت و مجلس اعلاى اسلامى عراق و به بيت رفيع حکيم به ويژه به فرزندان برومند و شايسته ايشان، بالاخص جناب آقاى سيدعمار حکيم تقديم مى دارم و رحمت و مغفرت الهى را براى آن مرحوم و سربلندى و پيشرفت ملت و دولت عراق را از خداوند مسألت مى کنم .

\*

### آيت الله محمودى



حضرت مستطاب آيت الله آقاى حاج شيخ عباس محمودى دشتى، يکى از علمای حوزه علميه قم بود . معظم له در سال ۱۳۳۲ ق، در خانواده اى روحانى و شيفته اهل بيت (ع)، در روستاى کردوان از توابع بوشهر زاده شد . پدرش ملاحسن دشتى، يکى از زاکران و واعظان منطقه بود .

در سال ۱۳۵۵ ق، همراه برادرش مرحوم آيت الله حاج شيخ محمد محمودى (م ۱۴۲۴ ق) رهسپار نجف اشرف شد و تحصيل علوم دينى را آغاز کرد . آن دو به مدت پنج سال، ادبيات و دروس سطوح حوزه را نزد حضرات آيات : آقاى خوئى، سيدعبدالله شيرازى، سيدعلى نورى، شيخ موسى خوانسارى و سيدسجاد علوى گرگانى (والد آيت الله العظمى علوى گرگانى) فرا گرفتند و پس از آن، مدتى در درس فقه آيت الله شيخ محمدحسين غروى اصفهانى هم حاضر شدند . در سال ۱۳۶۰ ق، براى صله ارحام و دیدار اقوام و خویشان به زادگاهشان بازگشتند و دو سال ماندگار شدند . معظم له در سال ۱۳۶۲ ق، به نجف

اشرف بازگشت و دروس خارج فقه و اصول را نزد آيات عظام : سيدابوالحسن اصفهانى، سيدجمال گلپايگانى، ميرزا ابراهيم اصطهباناتى، سيدعبدالهاده شيرازى، حکيم، خوئى و شاهرودى فرا گرفت و بنيه علمى خویش را استوار ساخت . وی، در کنار تحصيل، به تهذيب نفس و تأليف و تدريس پرداخت و همراه با برادر بزرگوارش، هر ساله براى تبليغ دين به مناطق دشتى و تنگستان عزيمت مى نمود و با اقامت چند ماهه خویش، مردم را به راه دين و صراط مستقيم هدايت و رهنمون مى ساخت .

او در ايام اقامت در نجف، به زيارت و رعايت مستحبات و شرکت در نمازهاى جماعت علمای اعلام و اقامه مجالس اهل بيت (ع) در خانه خویش اهتمام فراوان داشت و هر صبح پنجشنبه، در خانه اش مجلس روضه برپا مى نمود .

در سال ۱۳۹۱ ق (۱۳۵۰ ش) به اجبار رژیم بعثى عراق، نجف را ترک و در قم، ساکن شد و فعاليت های علمى و دينى خود را ادامه داد . او به صله رحم، رعايت مستحبات، تهجد و تعبد و مناجات سحر و گريه های شبانه، اعراض از دنيا و زهد و ساده زيستى و ارادت فراوان به ساحت مقدس اهل بيت (ع) شهره بود و همگان او را به اين صفات مى شناختند .

آثار چاپى او عبارتند از :

- ۱ . ملخص المقال فى اسماء الموثقين والمعتمدين من الرجال ؛
- ۲ . نخبة الآثار فى الادعية والاذکار ؛
- ۳ . کشکول .

آن مرحوم، پس از ۹۸ سال زندگى، سرانجام در روز دوشنبه ۷ جمادى الثانى ۱۴۳۰ ق (۱۱ خرداد ۱۳۸۸ ش) بدرود زندگى گفت و پیکر پاکش پس از تشييع و نماز آيت الله العظمى وحيد خراسانى، در مقبره «شيخان» قم به خاک سپرده شد .

\*



فرزند شیخ مرتضی معروف به آقا شیخ بزرگ (۱۲۸۹ - ۱۳۲۲ ق) بود که هر روز صبح و عصر، زیارت عاشورا می خواند و بر آن مواظبت می نمود و در ۳۳ سالگی در دزفول بر اثر مارگزیدگی، درگذشت؛ و او فرزند آیت الله علامه شیخ محمدحسن انصاری (۱۲۵۴ - ۱۲۹۴ ق) - برادر و از بزرگان شاگردان شیخ و نائب و قائم مقام او و شارح نتایج الافکار سید ابراهیم قزوینی و نویسنده تقریرات درس فقه و اصول شیخ انصاری - فرزند شیخ محمدامین (م ۱۲۴۸ ق) - از علمای دزفول - بود که نسب این خاندان بزرگ به صحابی جلیل، جناب جابر بن عبدالله انصاری می رسد.

فقید سعید پس از فراگیری قرآن و خواندن و نوشتن، در یازده سالگی (۱۳۵۵ ق)، در محضر پدر بزرگوارش به آموختن ادبیات عرب و منطق و فقه و اصول و کلام پرداخت و تمام سطوح عالیّه را نزد ایشان فراگرفت؛ سپس برای مدت کوتاهی به نجف اشرف مهاجرت کرد و از محضر آیات عظام: حکیم، شاهرودی و خوئی بهره های فراوان برد و پس از آن به اهواز بازگشت و به تألیف و تدریس و اقامه جماعت پرداخت و پس از وفات پدر بزرگوارش، موقعیت او افزون شد و به عنوان یکی از علمای اهواز مطرح گردید تا آنکه بر اثر حمله رژیم بعثی عراق و آغاز جنگ تحمیلی، به تهران مهاجرت کرد و به خدمات علمی و دینی خویش ادامه داد.

وی پس از پایان جنگ، به اهواز برگشت و به اداره حوزه علمیه و مسجد و مدرسه پدرش و تدریس پرداخت و کتابخانه ای غنی و نفیس از کتاب های چاپی و خطی داشت. او از آیات عظام: سید محمود شاهرودی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، سید جمال الدین گلپایگانی، شیخ آقابزرگ تهرانی، میرزا محمد تهرانی و شیخ محمد مهدی سبط الشیخ اجازه روایت حدیث

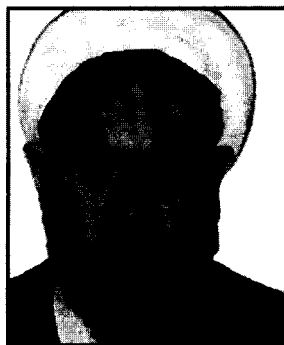
و اجتهاد و امور حسبه داشت و به گروهی نیز اجازه روایت بخشوده بود. از تألیفات اوست:

۱. زندگانی و شخصیت شیخ انصاری - که بسیار کتب ارزنده و پر مطلبی است و برای آن زحمت بسیار کشیده شده است؛
۲. شجره مشایخ انصار دزفول؛
۳. رجال روحانی دزفول؛
۴. رساله در علم اصول (مباحث الفاظ)؛
۵. حواشی بر توضیح المسائل؛
۶. یاران پیامبر اسلام (ص)؛
۷. الفوائد القیمة؛
۸. شرح المرتضی علی العروة الوثقی - استدلالی به نحو ترکیب مزجی.

آن مرحوم پس از ۸۴ سال زندگی سراسر خدمت به علم و شرع مقدس، در روز دوشنبه ۲۶ مرداد ۱۳۸۸ ش (۲۵ شعبان المعظم ۱۴۳۰ ق) در اهواز چشم از جهان فرو بست و پیکر پاکش صبح روز پنجشنبه ۲۹ مرداد (۲۸ شعبان) با حضور هزاران نفر از علما و مردم و عشایر خوزستان تشییع و پس از نماز برادر بزرگوارش آیت الله حاج شیخ محمدحسن انصاری، در جوار مقبره پدر عالیقدرش در صحن حرم مطهر علی بن مهزیار اهوازی به خاک سپرده شد و در غم فقدانش پیام های تسلیت متعددی از سوی مراجع تقلید صادر شد و مجالس یادبود متعددی نیز برگزار گردید.

\*

#### آیت الله ثقفی



مرحوم آیت الله آقای حاج میرزا حسن ثقفی تهرانی، یکی از مشاهیر علمای تهران و بازمانده دودمان پرافتخار ثقفی بود. معظم

له در سال ۱۳۱۶ ش (۱۳۵۶ ق) در تهران، در خاندان دانش و تقوا زاده شد. خاندان اصیل و معروف او، یکی از مشهورترین بیوت علمی شیعه به شمار می رود. پدرش آیت الله حاج میرزا محمد ثقفی (۱۳۱۳ - ۱۴۰۶ ق) صاحب تفسیر «روان جاوید»، از مشاهیر علمای تهران و از شاگردان آیات عظام: حائری یزدی، رفیعی قزوینی و شیخ محمدرضا اصفهانی و جدش علامه بزرگ آیت الله حاج میرزا ابوالفضل تهرانی (صاحب «شفاء الصدور» ۱۳۱۶ - ۱۲۷۳ ق) صاحب «شرح زیار العاشور»، از شاگردان آیات عظام: میرزای شیرازی و میرزا حبیب الله رشتی و نیای اعلایش آیت الله العظمی میرزا ابوالقاسم کلانتر نوری تهرانی (۱۲۳۶ - ۱۲۹۲ ق) از بزرگ ترین شاگردان شیخ انصاری و صاحب ضوابط سید ابراهیم قزوینی و صاحب «مطرح الانظار» بوده است (ر. ک به: ناصرالدین انصاری؛ اختران فقاقت؛ ج ۱، ص ۲۸۷ - ۳۱۰).

فقید سعید، ادبیات و بخشی از سطوح را نزد والد بزرگوارش و حضرات آیات: میرزا احمد آشتیانی، میرزا ابوالحسن شعرانی و حاج سیداحمد سبط آموخت و پس از آن به دروس آیات عظام: سیداحمد خوانساری و سیدابوالحسن رفیعی قزوینی - و دو سال هم در قم در درس داماد بزرگوارشان حضرت امام خمینی - حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت و از استادانش، رفیعی قزوینی و شعرانی اجازه اجتهاد دریافت نمود (۱۳۴۷ و ۱۳۴۸ ش). وی علاوه بر تحصیل، سالیان فراوان به تدریس و تألیف و تبلیغ دین و اقامه جماعت در مسجد پامنار پرداخت و به جز علوم دینی، بر علوم دانشگاهی و فلسفه غرب و زبان فرانسه مسلط بود.

آن مرحوم، از سر تواضع و فروتنی رفتاری ویژه و مثال زدنی و به پادماندنی با بزرگان و کودکان و اهالی کوچه و بازار و

مسجد داشت: دعوت همگان را می پذیرفت و در تمام مجالس اهل بیت - که از او دعوت می کردند - منبر می رفت و برای او کمیت و کیفیت مجلس، مطرح نبود. دستی بخشنده داشت و هر چه را که مالک بود، به دیگران می بخشید.

آیت الله العظمی وحید خراسانی درباره او فرموده است:

«این مرحوم، انسانی مجهول القدر بود. آن اندازه که باطن داشت، ظهور نکرد و آنچنان که باید شناخته نشد. فوت او در این زمان واقعاً ضایعه ای است؛ زیرا در تهران رجال علم و عمل خیلی کم شده اند و از جهت علمی در عاصمه تهران او استوانه ای بود و از نظر اخلاق، تواضع و کرم و طبع بلند و خصوصیات دیگر، شماره یک بود. ولایت پذیری را نسبت به اهل بیت علیهم السلام از جدش به ارث برده بود. ایشان با حال کسالت و ناتوانی می آمد و در دفتر می نشست تا جواب مردم را بدهد. اینها ملکاتی است که در هر کس پیدا نمی شود، در هر حال رفتن او از جمع ما ضایعه و مصیبتی شد که چاره ای جز تسلیم در برابر خواست خداوند نیست. او در آن عالم هم زنده خواهد بود.»

برخی از آثار وی عبارتند از:

۱. دوره فقه؛
۲. اربعین حدیث؛
۳. انسان و اندیشه: نگرشی بر کتاب «اتحاد عاقل و معقول» آیت الله حسن زاده آملی؛
۴. چند برگ گل: منتخب بهترین اشعار در منقبت ائمه معصومین علیهم السلام (همراه با بعضی اشعار خود ایشان)؛
۵. ترجمه صحیفه مبارکه سجاده: با مقدمه ای درباره دعا و زندگی امام سجاده (ع)؛
۶. ترجمه و شرح زیارت عاشورا؛
- تلخیص و نظری تازه بر کتاب شفاء الصدور؛
۷. گوشه هایی از زندگی ائمه معصومین (ع). (از شماره ۳ تا ۶، همگی

به چاپ رسیده است.)

آن عالم بزرگوار، در ۷۲ سالگی در نیمه شب دوشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۸۸ ش (۲۴ ربیع الثانی ۱۴۳۰ ق) پس از تحمل چند روز بیماری، چشم از جهان فرو بست و پس از تشییع و نماز آیت الله سید محمد موسوی بجنوردی، در حرم مطهر حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپرده شد.

\*

### آیت الله حسینی سرابی



حضرت مستطاب آیت الله حاج سید محمد کاظم حسینی نجفی سرابی، یکی از علمای نجفی مقیم قم بود.

فقید سعید در ۲۰ شهریور ۱۳۰۸ ش (۱۳۴۸ ق) (در معجم رجال الفکر فی النجف، ج ۲، ص ۶۷۲ تاریخ ولادت او را ۱۳۴۳ ق ذکر نموده است) در نجف اشرف، در بیت علم و فضیلت زاده شد.

پدرش مرحوم آیت الله حاج سید علی سرابی (۱۳۰۹ - ۱۳۹۵ ق) یکی از شاگردان آیات عظام: میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانی و نویسنده کتاب «الحق الجدید» در فقه استدلالی، و جدش آیت الله سید حسین سرابی (م بعد ۱۳۴۰ ق) از شاگردان آیات عظام: فاضل شرابیانی، شیخ محمد حسین کاظمی و فاضل ایروانی و یکی از مراجع تقلید آذربایجان بود.

معظم له، تمام ادبیات و سطوح را نزد پدر بزرگوارش و آیت الله سید احمد اشکوری نجفی آموخت و پس از آن به درس آیات عظام: خوئی، حکیم،

سید عبدالاعلی سبزواری، میرزا هاشم آملی و میرزا حسن یزدی حاضر شد و مبانی علمی اش را استوار ساخت. وی، به جز تحصیل، به تدریس سطوح عالی (از شاگردان او می توان به: آقایان: سید علاء الدین غریفی، شیخ مهدی یزدی، سید کاظم شاهرودی، سید محمد دهرخی اشاره کرد) و تألیف و تبلیغ دین پرداخت.

او در کوفه، وکیل تام الاختیار و نافذ الکلمه آیت الله العظمی خوئی بود و سالیان فراوان در آنجا به اقامه جماعت و حل و فصل دعاوی و رفع مشکلات مردم و بیان احکام دین اشتغال داشت و در زمان رژیم ددمنش و کافر بعث عراق به سختی ها و دشواری های بسیار مبتلا گردید؛ چه اینکه سه فرزندش (سید محمد جواد، سید عبدالهادی و ثقة الاسلام سید مهدی) را دستگیر نمودند و به شهادت رسانیدند. وی در سال ۱۳۶۶ ش (۱۹۸۶ م) در اثر فشارهای رژیم عراق، به قم مهاجرت کرد و به تدریس عقائد و کلام، امامت جماعت در حسینیه نجفیه (ظهرها) و تألیف پرداخت؛ تا آنکه در اواخر عمر نابینا و خانه نشین شد.

از آثار اوست:

۱. الحق القدیر: در علم کلام؛
  ۲. القضاء فی فذک؛
  ۳. الدروس الجامعة: تقریرات درس اصول آیت الله خوئی؛
  ۴. شرح منظومه فقهی سید بحر العلوم؛
  ۵. حاشیه بر متن و شرح لمعه.
- سرانجام آن عالم بزرگوار در هشتاد سالگی در روز یکشنبه در اول ذیحجه الحرام ۱۴۲۹ ق (۱۰ آذر ۱۳۸۷ ش) چشم از جهان فرو بست و پس از تشییع و نماز استاد آقای حاج شیخ کاظم فقیهی، در گلزار شهدای علی بن جعفر (ع) به خاک سپرده شد.

ناصرالدین انصاری قمی

\*

موسوی خرمشهری



دانشمند فاضل، مجاهد فی سبیل الله و خدمتگزار عالم تشیع، موسوی خرمشهری در پی بیماری و کهولت سن در ۹۳ سالگی جهان فانی را وداع گفت.

باید شرح حال این عالم ربانی الگوی همه طلاب، سالکان راه حق و عموم مؤمنین باشد؛ چرا که راه را از صفر شروع نمود و به مرتبه ای بس بلند دست یافت.

سید محمد تقی فرزند سید هاشم و نوه سید حسین موسوی دشتستانی است که سلسله نسب ایشان به حسین القطعی فرزند موسی ابرو سبحة فرزند ابراهیم المرتضی فرزند امام موسی کاظم (ع) می رسد.

وی در سال ۱۳۳۷ ق/ ۱۲۹۷ ش در روستای «بویری» از توابع بلوک شبانکاره دشتستان (استان بوشهر) دیده به جهان گشود. در خردسالی پدر و مادر خود را از دست داد و تحت کفایت سید ابراهیم موسوی - عموی خود - درآمد. او ابتدا جامع المقدمات را نزد دانی مادرش شیخ عبدالنبی بهبهانی خواند؛ سپس از راه بصره در سال ۱۳۵۳ ق/ ۱۳۱۳ ش به نجف اشرف رهسپار شد و در مدرسه های بادکوبی و قزوینی سکونت اختیار نمود، و سایر دروس مقدماتی را نزد سید محمد شوشتری (سیط)، سید مرتضی علم الهدی جزائری، شیخ محمد علی مدرس افغانی و سید عباس مهری به پایان برد.

منطق را نزد سید محمد رضا میبدی (فعالاً ساکن گرگان می باشند)، و معالم الاصول را نزد شیخ محمد حسن هراتی و قوانین الاصول را نزد سید احمد اشکوری و

شرح لمعه را نزد سید سجاد علوی گرگانی و سید عبدالاعلی سبزواری و رسائل را نزد شیخ محمد فاضل قائینی و مکاسب را نزد سید محمد باقر محلاتی و کفایه را نزد میرزا حسن یزدی به پایان رساند.

عمده دروس خارج را از محضر آیات عظام: سید محسن طباطبائی حکیم و سید ابوالقاسم خوئی استفاده نمود، و مدت کوتاهی را نیز نزد حضرات آیات: میرزا آقا اصطهباناتی، میرزا عبدالهادی شیرازی و سید محمود شاهرودی، حاضر گشت.

موسوی خرمشهری موفق به اخذ اجازات متعددی شد، اما اجازات روایتی ایشان از حضرات آیات: شیرازی، اصطهباناتی، سید محمد شیرازی و شیخ ناصر مکارم شیرازی بود. ایشان اجازات امور حسبی بسیار داشت.

موسوی در سال ۱۳۷۰ ق/ ۱۳۲۹ ش به عنوان نماینده مراجع و روحانی منطقه به روستای «مخراق» که بین بصره و فاو واقع می باشد، رفت و مدت هشت سال به خدمات دینی پرداخت که می توان به برخی از آنها اشاره کرد: احداث مسجد به نام خود و تأسیس حسینیه ای در مجاورت آن مسجد، تجدید بنای مسجد منطقه دوره، تجدید بنای مسجدی در فاو، ایجاد حسینیه ای در منطقه نهر عوید و ...

ایشان در سال ۱۳۷۸ ق/ ۱۳۳۷ ش در پی ناآرامی های سیاسی، مخراق را به سوی خرمشهر ترک گفت و اقدامات بسیاری در ارتقای فکری و دینی مردم خرمشهر ارائه نمود که می توان به طور خلاصه به آنها اشاره کرد:

۱. تأسیس کتابخانه عمومی؛
۲. در سال ۱۳۴۱ ش و با همکاری حجت الاسلام سید جواد الیاسی مدرسه علمیه رضویه را احداث نمود و پس از پایان جنگ تحمیلی، اقدام به بازسازی همان مدرسه کرد؛
۳. تأسیس دبستان ملی علوی در سال ۱۳۴۴ ش؛
۴. تجدید بنای مسجد جامع خرمشهر در سال ۱۳۴۳ ش؛
۵. در سال ۱۳۵۱ ش اقدام به تأسیس صندوق قرض الحسنه خدمات اسلامی

نمود که در زمان جنگ این صندوق به تهران انتقال داده شد. در سال ۱۳۷۳ ش نیز پس از بازگشت اهالی، مجدداً به صندوق خرمشهر بازگردانده شد؛

۶. بازگشایی دفتر نمایندگی حزب جمهوری اسلامی، شعبه خرمشهر؛

۷. تأسیس صندوق قرض الحسنه سوم خرداد که اختصاص به رزمندگان در جبهه و بسیجی های پشت جبهه داشت؛

۸. تأسیس مجتمع حوزه علمیه سیدالشهداء (ع) با مساحت ۶۷۵۰ متر مربع. موسوی هنگام ورود خود به خرمشهر، نماز جماعت را در مسجد جامع شهر برپا نمود و به سخنرانی و سایر امور دینی نیز اهتمام بسیار داشت. پس از آغاز جنگ به قم انتقال یافت و پس از پایان جنگ به همان شهر مراجعت نمود و همواره تا پایان عمر پربرت خود، به خدمات علمی، دینی و فرهنگی اهتمام داشت.

متأسفانه شماری از آثار قلمی ایشان، همین طور سایر مدارک و کتابخانه شخصی ایشان در جنگ از بین رفتن؛ به همین سبب از ذکر آن تألیفات خودداری می کنیم و به معرفی آثار موجود ایشان می پردازیم:

۱. مدارک أجوبة المسائل المهنية (اثر علامه حلی) که جلد اول این اثر در قم به چاپ رسید؛
  ۲. زندگی و خاطرات (در سه بخش) که از سوی دارالنشر اسلام قم در بیش از ۲۶۰ صفحه و زیری منتشر شد؛
  ۳. مخلاط العطار و میزان البقال (کشکول ادبی است)، که با نام توپره عطار و ترازوی بقال در سال ۱۳۸۵ ش توسط همان انتشارات به چاپ رسید.
- دانشمند گرامی موسوی خرمشهری، در پی ابتلا به عارضه کلیوی و کهولت سن در عصر روز شنبه ۱۱ رجب ۱۴۳۰ ق برابر ۱۳ تیر ۱۳۸۸ ش در نود و سه سالگی در شهر خرمشهر جهان فانی را وداع گفت. پیکرش عصر روز یکشنبه در جوار حوزه علمیه سیدالشهداء که خود تأسیس کرده بود، به خاک سپرده شد.

عبدالحسین جواهر کلام